

ما بارها تأکید کرده‌ایم که خیابان، به‌خودی‌خود، عرصه‌ی قدرت نمایی تاریخی طبقه‌ی کارگر نیست. خیابان پیش از هر چیز میدانِ جدالِ نیروهایی است که برای جابه‌جایی قدرت سیاسی در درون نظم موجود می‌کوشند و می‌خواهند قلاع دولت را برای بازآرایی تصرف کنند، نه اینکه مناسبات تولید سرمایه را خرد و دگرگون سازند. قدرت واقعی پرولتاریا از جایگاه عینی آن از محل تولید، از همان‌جا که استثمار به‌طور روزمره بازتولید و انباشت سرمایه ممکن می‌گردد، سرچشمه می‌گیرد. از منظر ما، نیروی کارگر نه در نمادهای سیاسی، بلکه در توانایی دخالت مستقیم در فرایند تولید، در توقف کار، در مختل کردن گردش سرمایه و در به چالش کشیدن خودِ مناسبات سرمایه نهفته است. به همین معنا، خیابان اگر اهمیتی دارد، ثانوی و مشتق است: خیابان می‌تواند بازتاب و تداوم مبارزه‌ای باشد که ریشه‌اش در محل کار و در قلب تولید اجتماعی است، نه جایگزین آن و نه نقطه آغازش. بدون اتکاء به این پایه مادی، خیابان به صحنه فشار سیاسی نیروهای دیگر بدل می‌شود؛ اما وقتی به مبارزه طبقاتی در محل تولید گره بخورد، می‌تواند پژواک و امتدادِ قدرت واقعی کارگران باشد، نه جانشین آن